

## ای کاش جنایت را نام رساتری می بود!

هدایت سلطان زاده. 13 ژانویه 2009

جورج اورول می نویسد که زبان سیاسی برای این منظور بکارگرفته میشود تا دروغ، حقیقت جلوه کرده و جنایت مورد احترام قرارگیرد. این همان چیزی است که در مورد قتل عام فلسطینیان در نوار غزه شاهد آن هستیم.

در غالب رسانه های جهان و رهبران سیاسی آمریکا و اروپا و تعدادی از کشورهای عربی ، از جمله مصر و عربستان و خود محمود عباس ، که عملا همسوئی آشکاری با حملات جنایت آمیز اسرائیل علیه ساکنین بی پناه نوار غزه نشان میدهند ، اینگونه وانمود میشود که حماس با پرتاب چند راکت ، اسرائیل را ناگزیر از " دفاع ازخود" کرده و در نتیجه ، حماس را مسؤل قتل عام شدن فلسطینی ها توسط اسرائیل معرفی کنند. تاریخ آغاز این نسل کشی جدید در این رسانه ها به پرتاب چند راکت حماس بسوی اسرائیل برمی گردد و نه کشتار حساب شده 6 فلسطینی توسط اسرائیل در چند روز قبل از آن و بمنظور تحریک حماس به یک واکنش ، که باید آنرا نقض آتش بس توسط حماس معرفی می کردند.

این نوع بهانه تراشی های اسرائیلی در تاریخ بشر ، چیز تازه ای نیست .واین نوع " حق دفاع ازخود" همانقدر اعتبار دارد که محاصره و اشغال نظامی مراکش و مستعمره سازی آن کشور توسط فرانسه در قرن نوزدهم ، تحت این بهانه که چراپادشاه مراکش با مگس کش بصورت سفیر فرانسه زده است! حمله ارتش هیتلر به لهستان در سال 1939 نیز به بهانه کشته شدن سه سرباز آلمانی در مرز لهستان آغاز گردید .آمریکا نیز جنگ ویتنام و حمله به آن کشور را با بهانه مشابهی در خلیج تونکن آغاز کرد. جدید ترین بهانه سازی نوع اسرائیلی در همسایگی کشور ما در عراق نیز تحت عنوان پیدا کردن سلاح های کشتار جمعی عراق و تبدیل کردن آن کشور بیک ویرانه توسط آمریکا و انگلیس صورت گرفت، که روزنامه ها و جریا نات مترقی به این بهانه سازی به طنز عنوان " سلاح های فریب جمعی"( Weapons of Mass Deception ) داده بودند.

کدام جنایت بزرگی علیه قربانیانی بی دفاع و یا حمله بیک کشور، بدون بهانه سازی های این چنانی انجام گرفته است؟ مگر صدام حسین ، عنوان تروریسم را بهانه ای برای کشتار جمعی کردها در حلبچه قرار نداد؟ بهانه ای که همواره در کمین نشسته است و همواره ابزار تبلیغ ستمگران بوده و خواهد بود . زیرا اگر بهانه ای نیز وجود نداشته باشد ، آنرا الزاما اختراع میکنند.

ماهیچگونه قرابت سیاسی و ایدئولوژیک با حماس نداریم .ولی خطاست که مخالفت ایدئولوژیک ما با بنیادگرایی ایدئولوژیک حماس و نفرت ما از جمهوری اسلامی ، و نیزحمایت استفاده جویانه و ابزاری آن از حماس ، ما را از دیدن حقیقت و ایستادن در کنار قربانیان بی دفاع باز دارد. هیچ قدرت سیاسی ، حتی دموکراتیک ترین آنها معادل مردم نیست و حماس را نباید معادل همه ساکنین نوار غزه گرفت.

حماس در ابتدا توسط اسرائیل و اردن و بعنوان وزنه ای علیه سازمان آزادیبخش فلسطین که یک نهاد ائتلافی برای دفاع از حقوق ملی فلسطینی ها و در عین حال یک نهاد سکولار بود ، بوجود آمد. بتدریج ، واقعیت اشغال و تداوم آن ، حماس را بیک نیروی واقعی تبدیل کرد و کنترل مهار آن از دست اسرائیل خارج گردید. اگر بخواهیم انتخابات آزاد در هر کشوری را یکی از نمود های اولیه دموکراسی بنامیم ، باید این واقعیت را نیز بپذیریم که حماس مانند هر کشور دارای انتخابات آزاد ، توسط فلسطینی های انتخاب شده است.

باید گفت که قدرت گیری حماس قبل از هر چیزی ، از واقعیت اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل ، و در وهله بعدی ، از انحطاط و فساد درونی سازمان فلسطین تغذیه می کند. بدون اشغال فلسطین ، حماسی نیز بوجود نمی آمد و بدون فساد رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین، بنیاد گرایی

ایدئولوژیک آن علیه رهبری سکولار فلسطین نیز شکل نمی گرفت و یا نمیتوانست پایه حمایت توده ای کسب کند.

اشغال سرزمین های فلسطین و ستیز خونین و نابرابر بین آندو ، زخم گشوده ای به قدمت بیش از نیم قرن است و ریشه بسیاری از مشکلات در خاورمیانه و تلاش بهره بردارانه بسیاری از دولت ها چه در خاور میانه و چه خارج از منطقه از رنج بی پایان فلسطینی ها و نیز تبدیل دولت اسرائیل بیک پادگان نظامی در منطقه را تشکیل میدهد.

لیکن آنچه که امروز در غزه میگذرد ، با راکت پراکنی حماس آغاز نگردیده است. بعد از عقب نشینی سمبلیک اسرائیل در سال 2005 از نوار غزه ، و خارج ساختن 8000 مهاجر نشین از آنجا ، دولت اسرائیل بلا فاصله اقدام به ساختن 30000 مهاجرنشین تازه در ساحل غربی رود اردن کرد ، که اکنون تعداد آنها به 45000 میرسد و اسرائیل منابع آب و زمین بیشتری از سرزمین فلسطینی ها را تحت اشغال و کنترل خود قرار داده است.

در طی دوسال بعد از برچیده شدن مهاجر نشین ها در نوار غزه ، اسرائیل 16000 گلوله توپ و خمپاره بر نوار غزه شلیک کرده و 120 نفر از زن و کودک غیر نظامی فلسطینی را بقتل رسانده و بر زیر ساخت اقتصادی آن و خانه های مردم آسیب جدی رسانده است. همچنین در فاصله سپتامبر سال 2000 تا نوامبر 2008، 13 اسرائیلی بر اثر پرتاب راکت حماس و 5000 فلسطینی بر اثر حملات اسرائیل به فلسطینی ها در این جنگ نابرابر کشته شده اند.

بموازات این سیاست توسعه اشغال ، اسرائیل با بستن راه تنفس اقتصادی نوار غزه ، عملاً غزه را در وضعیتی نگهداشته است که از نظر حقوق بین الملل ، اشغال تلقی میشود. زیرا حقوق بین الملل ، محاصره دریائی، هوائی و زمینی یک کشور را مصداق عینی اشغال دانسته و قدرت اشغالگر را در برابر شهروندان غیر نظامی مسؤل می‌شناسد. حال آنکه اسرائیل ، نه فقط متعهد به رعایت هیچیک از کنوانسیون های بین المللی در این زمینه نبوده است ، بلکه ماشین تبلیغاتی آن در تمام رسانه های بین المللی سعی کرده است که قربانی را متهم نماید. جمعیت امروز فلسطینی ها را مردمی تشکیل می دهند که در طی سه نسل گذشته خود، جز آوارگی و جنگ و مرگ عزیزان خود ، تجربه و خاطره دیگری ندارند.

لیکن برای فهم سناریوی قصابی ساکنین اسیر نوار غزه ، باید اندکی به عقب برگشت. در ژوئن سال 2008 ، 38 تن از 49 سناتور حزب دموکرات آمریکا ، از جمله خانم هیلاری کلینتون که در دولت باراک اوباما ، پست وزارت خارجه را برعهده خواهد داشت ، در نامه ای خطاب به جورج بوش ، خواهان پشتیبانی تمام عیار آمریکا از اسرائیل شدند.<sup>1</sup>

گروه " آمریکائیان برای صلح همین امروز" - که یک گروه فشار میانه رو طرفدار اسرائیل در آمریکا و طرفدار نزدیکی اسرائیلی ها و فلسطینی ها ست و حتی پاره ای از اعضای آن قبلاً عضو موساد بوده اند ، در مورد این اقدام هشدار داد که این امر " بمعنی دفاع پیشاپیش از تدارک قدرت تهاجم نظامی عظیم اسرائیل در غزه خواهد بود".

نامه این سناتورها همچنین از دولت جورج بوش میخواست که دولت آمریکا هرگونه قطع نامه شورای امنیت سازمان ملل را که در آن انتقادی از اسرائیل وجود داشته باشد ، باید بلوکه کند . آنان ادعا کردند که مخالفت سازمان ملل با حمله اسرائیل به مناطق پر جمعیت غزه ، در حکم " برسیمت نشناختن حق دفاع از خود اسرائیل است".

---

<sup>1</sup> این نامه بصورت تازه تر شده ای که امضای جرج بوش و نانسی پلوسی نیز زیر آن آمده است ، تحت عنوان " رهبران آمریکا سخن میگویند " اخیراً توسط بزرگترین گروه فشار هوادار اسرائیل که باید آنرا دولتی در درون دولت آمریکا نامید ، یعنی AIPAC ( American Israel Public Affairs Committee) منتشر شده است. رجوع شود به متن این نامه:  
<http://www.aipac.org/Publications/SourceMaterialsCongressionalAction/CongressIsraelGazaSelfDefense.pdf>

نامه مشابهی نیز توسط رهبر اکثریت دموکرات در کنگره آمریکا، استنی هویر Steny Hoyer تدوین گردید و 150 تن از 230 نماینده حزب دموکرات در کنگره نیز بر پای این نامه استنی هویر امضاء گذاشتند. چهار تن از نمایندگان رأی ممتنع داده و 12 تن از آنان نیز اصلاً رأی ندادند. حتی یک نفر از اعضای حزب دموکرات بر این قطع نامه رأی مخالف نداد. این مساله نشان میداد که کنگره مخالفتی با حمله اسرائیل به نوار غزه با پیشرفته ترین سلاح های تحویل داده شده از طرف آمریکا ابراز نخواهد کرد.

از آنجائی که پیشاپیش قابل تصور بود که حمله به پرجمعیت ترین نقطه تراکم انسانی در جهان، با فاجعه بزرگ و کشته و زخمی شدن هزاران غیر نظامی و زن و کودک و مردم عادی توأم خواهد بود، و برای کاستن از تاثیر منفی فاجعه انسانی بر افکار عمومی مردم جهان، سنای آمریکا در مارس همان سال، قطع نامه ای را با این مضمون به تصویب رسانده بود که: "آنهائی که بطور روزمره علیه اسرائیل راکت پرانی کرده و تسهیلات پرتاب آنرا در بین مردم غیر نظامی فلسطینی قرار می دهند، از آنان بعنوان سپر دفاعی استفاده میکنند." قطع نامه در ادامه خود "سازمان های تروریستی را که از غیر نظامیان بعنوان سپر انسانی استفاده میکنند را محکوم کرده" و عملاً بار مسؤلیت کشتار غیر نظامیان را از دوش اسرائیل برداشته و آنرا به حماس منتسب می سازد.

بر خلاف این ادعاها، جو استورک Joe Stork، مسؤل بخش خاور میانه ای دیده بان حقوق بشر، می نویسد که برغم اینکه حماس نتوانست اقدامات احتیاطی لازم برای دفاع از شهروندان غیر نظامی نوار پر جمعیت غزه را بعمل آورد، لیکن هیچ نشانه ای دال بر استفاده حماس از شهر وندان غیر نظامی بعنوان سپر دفاع انسانی برای بازداشتن اسرائیل از ضد حمله مشاهده نشده است. جو استورک می گوید که با بیشتر از ده تن از امضاء کنندگان این قطع نامه که همگی عضو "تجمع برای پیشرفت" (Progressive Caucus)<sup>2</sup> هستند، تماس گرفته است ولی هیچیک از آنان نتوانسته اند شاهد و مدرکی برای استفاده حماس از غیر نظامیان بعنوان سپر دفاع انسانی ارائه دهند. قابل استنتاج این است که هدف اعضای حزب دموکرات برای عجله در تصویب این قطع نامه، متقاعد ساختن پایگاه رای خود بر این بود که این فلسطینی ها هستند که به اسرائیلی ها حمله می کنند و بنابراین مسؤل کشته شدن غیر نظامی ها هستند و در صورت بمباران آنان توسط اسرائیل، بار مسؤلیت و سرزنش باز بر دوش خود فلسطینی هاست!

حمایت حزب دموکرات از حمله احتمالی اسرائیل به نوار غزه، فراتر از تصویب یک قطع نامه می رفت. قطع نامه، یک فضا سازی سیاسی و تبلیغاتی را فراهم می ساخت. با توجه به پیش بینی حمله اسرائیل به غزه، کنگره تحت کنترل حزب دموکرات، در سپتامبر 2008، یعنی دو ماه و نیم قبل از حمله اسرائیل، تحویل 1000 موشک بسیار پیشرفته GBU-39 را تصویب کرد که باید در حمله همه جانبه و وسیع اسرائیل مورد استفاده قرار می گرفت.

در 5 نوامبر 2008، اسرائیل در یک اقدام تحریک طلبانه، یک شبیخون نظامی جدی در نوار غزه بعمل آورد که چیزی جز نقض آشکار آتش بس نبود. آمریکا هیچگونه انتقادی از این اقدام اسرائیل نکرد. از آنجائی که حماس واکنشی جدی نشان نداد، اسرائیل برای تحریک هرچه بیشتر، حلقه محاصره اقتصادی بر نوار غزه را تنگ تر کرد.

در اعتراض به این اقدام اسرائیل، دیده بان حقوق بشر طی یادداشتی اعلام کرد که "محدودیت های اعمال شده بر ورود کالاهای غیر نظامی، از جمله مواد سوختی و دارو، و عبور و مرور افراد، در حکم مجازات جمعی و نقض قوانین مربوط به دوره جنگ است."

---

<sup>2</sup> Congressional Progressive Caucus یک گروه پارلمانی در کنگره آمریکا است که در سال 1991 بوجود آمده و اهداف نسبتاً ترقی خواهانه ای را در کنگره آمریکا دنبال می کند که بیش از 50 نماینده عضو آن هستند و برنامه و ایدئولوژی آن با اهداف کلاسیک حزب دموکرات تشابه دارد و خانم نانسی پلوسی یکی از رهبران آن بود. رجوع شود به:

<http://www.discoverthenetworks.org/groupProfile.asp?groupid=6497>

حماس خواهان تمدید آتش بس، بشرط رفع محاصره و پایان دادن به قتل رهبران خود توسط اسرائیل بود، لیکن اسرائیل این خواسته ها را رد کرد.

در مقابل ، باراک اوباما ، از اعمال فشار اسرائیل بر نوار غزه به پشتیبانی برخاست. و رهبران حزب دموکرات اعلام کردند که اسرائیل " چاره ای" جز حمله وسیع به غزه ندارد.

یک روز بعد از حمله وسیع هوایی اسرائیل به نوار غزه ، دیوید آکسلرود David Axelrod ، مشاور اصلی باراک اوباما در طی مصاحبه ای این سخنان وی را در باز دید خود از اسرائیل تکرار کرد که " اگر کسی راکت بر خانه من پرتاب می کند که دوکودک من شب در آن خوابیده اند ، من هر آنچه که در قدرت دارم بکار خواهم گرفت تا آنرا متوقف سازم. من انتظار دارم که اسرائیل نیز بهمین شیوه عمل کند". اوباما فراموش کرده بود که بگوید اگر اسرائیل همین عمل را در مورد فلسطینی ها انجام دهد ، نظر او چه خواهد بود!

بعد از این یورش اسرائیل ، خانم نانسی پلوسی با صراحت اعلام کرد که " وقتی اسرائیل مورد حمله قرار می گیرد ، آمریکا باید محکم و استوار در کنار دوست و متحد دموکرات خود بایستد!" رهبر اکثریت سنا ، سناتور هاری رید Harry Reid و رهبر اکثریت کنگره ، هویر ، در یک مسابقه برای تایید حمله اسرائیل از " حق دفاع از خود اسرائیل در برابر راکت پرانی " به دفاع برخاستند. کمیته روابط خارجی کنگره نیز طی اطلاعیه ای اظهار داشت که " که اسرائیل نه فقط حق ، بلکه وظیفه دارد که در مقابل صد ها راکت و خمپاره از خود دفاع کند!" شاید طنز آمیز ترین نظر در این دفاع از قانونمندی و دفاع از دموکراسی را در این اظهار نظر جو بیدن Joe Biden ، معاون ریاست جمهوری جدید آمریکا مشاهده کرد که جورج بوش را بخاطر اینکه اجازه داده است در نوار غزه انتخابات آزاد برگزار شود ، مورد انتقاد قرار داده است.

شاید بتوان ادعا کرد در تاریخ اشغال 60 ساله سرزمین فلسطین ، این نخستین بار است که فلسطینی ها به تنهایی و بدون یاری کشوری دیگر و با سلاح هائی ابتدائی ، در برابر یکی از مدرن ترین ارتش های جهان و حامیان بین المللی قدرتمند آن ایستاده اند. فرجام جنگ ، خواه ناخواه در نگرش مردم منطقه نسبت به حاکمین فاسد بر خود اثر خواهد گذاشت.

حمله اسرائیل بر نوار غزه و قتل عام آنان با آخرین سلاح های کشتار ، همدردی جهانیان را با آنان بر انگیخته است. و باز به گفته اورول ، درهنگام دروغ فراگیر ، گفتن حقیقت خود یک اقدام انقلابی بشمار می رود. ای کاش فریاد حقیقت را صدائی رساتر می بود!